

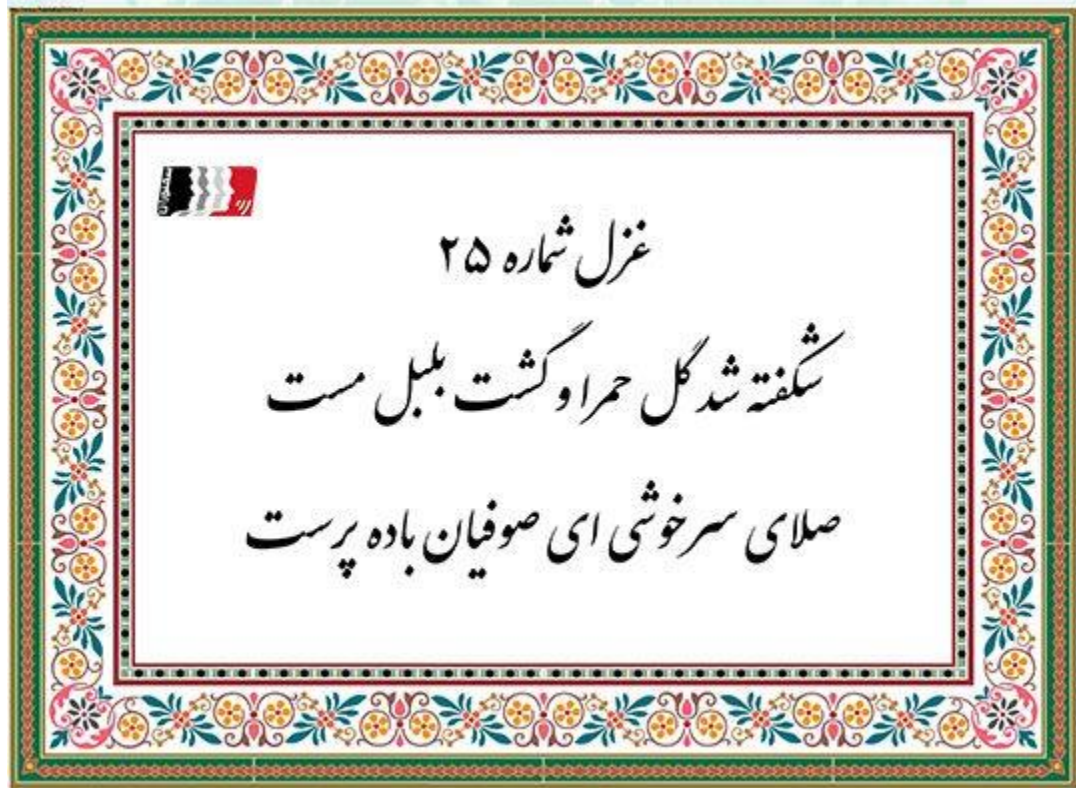
متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۲۵ حافظ

شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست
صلای سرخوشی ای صوفیان باده پرست

غزل ۲۵ حافظ با شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست آغاز می شود. وزن غزل شکفته شد گل حمرا، مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلات (بحر مجتث مثنی مخبون) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. در شرح و تفسیر از کتاب شرح سودی بوسنوی، شرح حافظ دکتر خطیب رهبر، دکتر عبدالحسین جلالیان و شرح شوق دکتر حمیدیان بهره گرفته شده است.

آنچه در ادامه می خوانید:

- ۱- متن غزل
- ۲- شرح و تفسیر غزل
- ۳- معنی غزل و لغات



متن غزل ۲۵ حافظ

شکفته شد گُلِ حَمْرَا و گشت بلبِلُ مست
صلایِ سرخوشی، ای صوفیانِ باده‌پرست

اساسِ توبه که در محکمی چو سنگ نمود
ببین که جامِ زُجاجی چه طُرفه‌اش بشکست

بیار باده که در بارگاهِ اِسْتِغْنَا
چه پاسبان و چه سلطان چه هوشیار و چه مست

از این رباطِ دودَر، چون ضرورت است رَحیل
رَوَاقِ و طاقِ مَعِیْشَتِ چه سربلند و چه پست

مقامِ عیشِ مِیْسَر نمی‌شود بی‌رنج
بلی به حکمِ بلا بسته‌اند عهدِ آلت

به هست و نیست مَرَنجانِ ضمیر و خوش می‌باش
که نیستیست سرانجامِ هر کمال که هست

شکوهِ اَصْفی و اسبِ باد و منطقِ طَیْر
به باد رفت و از او خواجه هیچ طُرفه نبست

به بال و پَر مرو از ره، که تیرِ پرتابی
هوا گرفت زمانی، ولی به خاک نشست

زبانِ کَلْکِ تو حافظ چه شُکْرِ آن گوید
که گفتهٔ سخت می‌بَرندُ دست به دست

شرح و تفسیر غزل ۲۵ حافظ

شکفته شد گُلِ حَمْرَا و گشت بلبِلُ مست
صلایِ سرخوشی، ای صوفیانِ باده‌پرست

اختلاف نسخ: در ضبط مرحوم خانلری، خمیری ثبت شده است که به معنای شرابی رنگ است. در ضبط قزوینی حمرا آمده است. از آنجا که گلی به نام خمیری وجود ندارد به نظر می‌رسد ضبط قزوینی صحیح‌تر است. همچنین در ضبط خانلری به جای باده‌پرست، وقت‌پرست آمده است.

گُلِ حَمْرَا: گل سرخ.

گشت بلبل مست :مستی بلبل به معنای از خود به خود شدن و آواز خواندن بلبل است

صَلَاى سَرْخوشى :دعوت به میگساری و عیش و نوش

صوفى :درویش، پیرو طریقه تصوف

بادِه پَرَسْت :شرابخوار، میگسار

معنى بیت :گل سرخ شرابی رنگ شکفته شد و بلبل از خود بی خود شد و نغمه سرایی کرد. ای صوفیان این آواز بلبل دعوت به باده نوشی و میگساری و زمان عیش و عشرت است.

اساسِ توبه که در محکمی چو سنگ نمود
ببین که جامِ زُجاجی چه طُرفه‌اش بشکست

جامِ زُجاجی :ظرف شیشه ای

طُرفه :هر آنچه تو را تازه کند و به شگفتی افکند، عجیب، شگفت آور

معنى بیت :بنیاد توبه زاهدانه که چون سنگ خارا محکم و استوار بود ببین که جام شراب با چه شگفتی ای آن را شکست و ویران کرد.

بیار باده که در بارگاهِ اسْتِغْنَا
چه پاسبان و چه سلطان چه هوشیار و چه مست

باده :هم به معنای خورشید است و هم به معنای محبت. در اینجا به ایهام ذکر شده است

بارگاهِ اسْتِغْنَا :درگاه بی نیازی که کنایه از بارگاه خداوند است

پاسبان :اسم یا صفت مرکب از پاس و بان است. آنکه مامور حفظ جان امرا و ملوک است و در درگاه آن ها نگهبانی می دهد.
قراول . نگهبان

معنی بیت: شراب بیاور که در درگاه بی نیازی جانان، همه عاشقان و بندگان، چه شاه و چه نگهبان، چه عاقل و زیرک و بیدار، چه مست و ولنگار فرقی ندارد. همه طالب یار و دلدارند و یار هم بی نیاز از همه. مخلص کلام آنکه همه در طلب یارند چه هشیار چه مست

از این رِباطِ دودَر، چون ضرورت است رَحیل
رَواق و طاقِ مَعِیْشَت چه سربلند و چه پست

رِباطِ دودَر: رباط به معنی کاروانسرا است و رباط دودر کنایه از دنیا است که یک در آن تولد و در دیگر آن مرگ است.

رحیل: کوچ کردن. اینجا کنایه از مردن است

رَواق [ر / رُ] ایوان، پیشگاه

طاق: سقف محدب

رَواق و طاقِ مَعِیْشَت: منظور خانه برای زندگی است

معنی بیت: چون در این دنیا از مرگ گریزی نیست دیگر چه فرقی می کند که سقف خانه ات بلند و شاهانه باشد یا کوتاه و فقیرانه

مقامِ عیشِ مُیَسَّر نمی شود بی رنج
بلی به حکمِ بلا بسته اند عهدِ اَلست

مَقامِ عیش: با شادمانی و سرخوشی زیستن

بَلا: از بلاء به معنای آزمون و امتحان و آزمایش است. رنج و محنت و گزند

عهدِ اَلست: پیمانی که خداوند در روز الست از بندگان گرفته که مَأخوذ از قرآن کریم: «اَلستُ بِرَبِّکُمْ؟ است.

معنی بیت: زندگی در این دنیا توام با رنج و مشقت و سختی است را که زندگی فرزندان آدم در روز الست چنین مقدر شده است.

به هست و نیست مَرَنجانِ ضمیر و خوش می‌باش
که نیستیست سرانجامِ هر کمال که هست

هست و نیست: کنایه از مال و منال و دارایی و ثروت است

ضمیر: [ضَ] درون دل، باطن انسان، وجدان

کمال: آخرین حد چیزی، نهایت

معنی بیت: به خاطر مال و دارایی و فقر و ثروت خود را آزار مده و خوش باش و شاد زندگی کن که نهایت هر چیزی مرگ و فنا و نابودی است.

شکوهِ اَصْفی و اسبِ باد و منطِقِ طَیْر
به باد رفت و از او خواجه هیچ طَرْفه نبست

شکوهِ اَصْفی: جاه و جلال وزارت و حکمرانی. اشاره به عاصف برخیا وزیر مقتدر حضرت سلیمان دارد

اسبِ باد: اشاره به داستان حضرت سلیمان و اینکه باد مرکب سلیمان بوده است دارد

مَنْطِقِ طَیْر: زبان پرندگان. کنایه از داستان حضرت سلیمان که زبان پرندگان را می دانست

به باد رفت: از بین رفت

خواجه: منظور حضرت سلیمان است

طرفه بستن: بهره بردن

معنی بیت: حضرت سلیمان با آن همه هیبت و شکوه و جلال و جبروت وزارت و فرمانروایی بر بادهای و دانستن زبان پرندگان مرد و هیچ بهره ای از قدرتش نبرد.

به بال و پر مرواز ره، که تیرِ پرتابی
هوا گرفت زمانی، ولی به خاک نشست

بال و پر: پریدن و پرواز کردن بسوی چیزی یا در طلب چیزی و یا در هوای چیزی

تیرِ پرتابی: [ر پ ا] تیری که در مسابقات پرتاب می شود و تا دوردست می رود

هوا گرفتن: [ه ا گ ر ت ا] بر هوا رفتن . پرواز کردن . اوج گرفتن

به خاک نشستن: [ب ن ش ت ا] خوار و بی اعتبار شدن

معنی بیت: در طلب و هوای به دست آوردن هر چیزی اندازه را رعایت کن و به خود مغرور نشو که حتی تیر پرتابی هم با همه دورپروازی فقط اندک زمانی اوج می گیرد ولی سرانجام نگوئسار بر خاک می نشیند.

زبانِ کَلَمِ تو حافظِ چه شُکرِ آن گوید
که گفتهٔ سخنت می‌برند دست به دست

کَلَم: خامه، قلم

معنی بیت: زبان قلم تو ای حافظ چگونه از عهده شکر این نعمت بر می آید که شعر و غزل تو را سخن شناسان دست به دست می کنند و به همه جا و همه کس می رسانند.

نویسنده: دکتر زند